

اصطلاحات فارکس

در بازار بزرگ و بین‌المللی فارکس اصطلاحات اختصاصی بسیاری وجود دارد. اگر قصد فعالیت در بازار فارکس را دارید اما با مفاهیم اولیه فارکس آشنایی کامل ندارید، اولین قدم برای شما یادگیری اصطلاحات بازار فارکس است در این مقاله لغات و اصطلاحات [فارکس آموزش](#) داده شود.

در ادامه با ما باشید تا آموزش اصطلاحات فارکس به زبان ساده آشنا شوید. مسلماً به کارتان خواهد آمد.

جفت ارز Currency pair

جفت ارزها از مهم‌ترین اصطلاحات بازار فارکس محسوب می‌شوند. این اصطلاح پایه و اساس بازار فارکس اشاره میکند. در واقع بازار فارکس به گونه‌ای طراحی شده است که هر ارز با ارز دیگر معامله می‌شود. جفت ارز جز مفاهیم پایه در بازار فارکس محسوب می‌شود.

اصلی‌ترین جفت ارزها عبارت‌اند از:

- EUR/USD یورو در مقابل دلار
- GBP/USD پوند در مقابل دلار
- USD/CHF دلار در مقابل فرانک سوئیس
- USD/JPY دلار در مقابل ین ژاپن

لات Lot

به واحد اندازه‌گیری مقدار معامله لات گفته می‌شود که با استفاده از آن می‌توان حجم پوزیشنی را اندازه‌گیری کرد. به‌طورکلی در فارکس یک لات برابر 100.000 دلار است.

اسپرد Spread

تفاوت بین نرخ خرید و نرخ فروش یک ارز - تفاوت بین نرخ های پیشنهاد فروش و قیمت خرید.

پیپ Pip

پیپ یا پوینت به واحد اندازه‌گیری حرکات و نوسانات قیمت در بازار ارز گفته می‌شود. مثلاً اگر جفت ارز EUR/USD از عدد 14121/1 به عدد 14807/1 برسد 68.6 پیپ جا به جا شده.

پیپت Pipet

به کوچکترین واحد نوسانات قیمت در بازار ارز گفته می شود که معمولاً چون خیلی ناچیز است استفاده از آن معمول نیست و از همان اصطلاح پیپ معامله گران استفاده می کنند.

(اگر پیپ را به ده قسمت تقسیم کنیم پیپت یک قسمت یا یک دهم آن می باشد) مثلاً اگر جفت ارز EUR/USD از عدد 1/14121 به عدد 1/14807 برسد در حقیقت 686 پیپت یا 6/68 پیپ جا به جا شده.

کمیسیون Commission

کارمزد و مبلغی که یک کارگزار به عنوان حق الزحمه می گیرد تا به نیابت از مشتری معامله ای را انجام دهد.

دنبال کردن حد ضرر Trailing Stop

ابزاری تکنیکال می باشد که برای ادامه روند سود دهی در بازار از آن استفاده می شود. سطحی متغییر که در روند صعودی بازار قیمت را بالاتر می برد و در روند نزولی آن را پایین تر می آورد.

در پوزیشن خرید با صعود بازار دستور (loss stop) توسط نرم افزار بالاتر برده می شود و در پوزیشن فروش با نزول بازار این دستور توسط نرم افزار پایین تر آورده می شود.

دستور شرطی Pending order

به مجموع دستوراتی که برای بازکردن معاملات شما شرطی قرار می دهند دستورات شرطی می گویند چهار دستورات شرطی داریم که در زیر به آن اشاره شده (Orders Limit) هم گفته می شود.

بای استاپ Buy stop

یعنی معامله گر آغاز روند صعودی را بالاتر از قیمت فعلی بازار می بیند و صبر می کند سطح مورد نظر او شکسته شود و بعد وارد معامله خرید میشود. (دستور خریدی بالقوه که با افزایش قیمت و رسیدن به قیمت مورد نظر اجرا می شود) بخر به شرط (گذاشتن سفارش خرید بالاتر از قیمت جاری)

بای لیمیت Buy limit

یعنی معامله گر آغاز روند صعودی را پایین تر از از قیمت فعلی بازار می بیند و اعتقاد دارد بازار به پایین میزنه بعد میره بالا (دستور خریدی بالقوه که با کاهش قیمت و رسیدن به قیمت مورد نظر اجرا می شود) بخر به شرط (گذاشتن سفارش خرید پایین تر از قیمت جاری)

سل استاپ Sell stop

یعنی معامله گر آغاز روند نزولی را پایین تر از از قیمت فعلی بازار می بیند و صبر می کند سطح مورد نظر او به پایین بشکند و بعد وارد معامله فروش میشود.

(دستور فروشی بالقوه که با کاهش قیمت و رسیدن به قیمت مورد نظر اجرا می شود) بفروش به شرط (گذاشتن سفارش فروش پایین تر از قیمت جاری).

سل لیمیت Sell limit

یعنی معامله گر آغاز روند نزولی را بالاتر از از قیمت فعلی بازار می بیند و اعتقاد دارد بازار به بالا میزنه بعد میریزه. (دستور فروشی بالقوه که با افزایش قیمت و رسیدن به قیمت مورد نظر اجرا می شود) بفروش به شرط (گذاشتن سفارش فروش بالاتر از قیمت جاری)

وین ریت winrate

وین ریت (Win Rate) یا درصد موفقیت، به معامله گر نشان می دهد که چند درصد از معاملات او منجر به سود شده است.

به طور مثال، فرض کنید وین ریت یک استراتژی معاملاتی، 70 درصد است؛ این یعنی به طور میانگین از هر 100 معامله ای که با این استراتژی انجام می شود، 70 مورد از آنها منجر به سود و 30 مورد از آنها منجر به ضرر است.

کارگزار Broker

در یک جمله می توان گفت کارگزار واسط بین سرمایه گذاران و بازارهای مالی (مثلا بورس) هستند و کار خرید و فروش سهام و اوراق بهادار به نمایندگی از طرف مشتریان توسط کارگزاران انجام می شود.

معامله گر بلند مدتی Long term

این معامله گران از نمودارهای هفتگی برای دریافت دورنمای حرکت بازار و از نمودارهای روزانه برای قرار دادن نقاط ورود به معامله استفاده می کنند و معاملات آنها چندین هفته و ماه ممکن است باز باشد.

معامله گر کوتاه مدتی Short trem

این معامله گران از تایم فریمهای ساعتی استفاده می کنند و معاملات خود را برای چند ساعت یا یک هفته باز نگه می دارند.

اسکالپر Scalper

به معامله گران خیلی کوتاه مدتی گفته می شود. این معامله گران برای تحلیل بازار از تایم فریمهای یک تا پنج دقیقه استفاده می کنند، معاملات خود را در طول روز انجام داده و با بسته شدن بازار از آنها خارج می شوند. اسکالپر در لغت به معنای نوک زدن به معاملات می باشد که معمولاً با حجم بالا و حد ضرر و حد سود های کوچک انجام می شود.

استراتژی مکانیکی Mechanical Trading System

سیستم مکانیکی یعنی استراتژی هایی که نقاط ورود و خروج را بر اساس روال ها و الگوریتم های مشخصی که منطبق بر اندیکاتور ها هستند صادر می کند.

لبه معاملاتی trading edge

اج Edge در لغت به معنای لبه و دستگیره می باشد و در ترجمه عمومی به معنای امکان وقوع بیشتر یک پیشامد نسبت به دیگر پیشامد است. و در معاملات به شرایطی گفته می شود که با رخ دادن آنها احتمال موفقیت یک معامله بیشتر از شکست آن است.

یعنی امکان وقوع بیشتر یک مسیر برای قیمت نسبت به مسیر دیگر (ریوارد به ریسک بالا) به زبان ساده تر همان استراتژی و روش معاملاتی شماست که احتمال مناسبی در به سود نشستن معاملات شما دارد.

بریک ایون Break even

در ادبیات اقتصادی به معنی سربسر شدن هزینه و درآمد هست (بدون ریسک). یعنی سود و زیان صفر. در اصطلاح بازار سرمایه وقتی نقطه استاپ به نقطه ورود منتقل میشود.

در نتیجه اگر پوزیشن استاپ هم بخورد شما بدون ضرر از پوزیشن خارج میشوید. (انتقال استاپ به نقطه ورود)

ریسک فیری Risk free

در اصطلاح بازار سرمایه همان مفهوم even break را دارد. یعنی وقتی نقطه استاپ به نقطه ورود منتقل میشود.

درادان Draw Down

کاهش موجودی حساب در نتیجه یک یا چند معامله پی در پی ناموفق

فیل اور کیل Fill or kill

دستور خرید یا فروش داده شده به کارگزار که یا باید فوراً به طور کامل اجرا شود. یا اگر چنین امکانی فراهم نیست به طور کامل لغو گردد. (عامیانه یعنی یا انجام بده کامل یا بی خیال سفارش شو)

بازار رنج Flat یا Sideways range

اصطلاحاً به زمانی اطلاق می شود که نوسان های بازار جهت خاصی نداشته و فراز و فرود واضحی در بازار مشاهده نمی شود.

فورکست

پیشبینی کردن، پیشبینی بازار و شاخصهای اقتصادی توسط کارشناسان

اسپایک Spike

به پرش های شدید و ناگهانی قیمت گفته می شود.

هج Hedging

داشتن یک یا چند موقعیت معاملاتی در بازار آتی یا اختیاری برخلاف موقعیت معامله در بازار نقدی است و هدف این نوع معاملات کاهش یا محدود کردن ریسک هایی است که ناشی از تغییرات قیمت به وجود می آید.

دستور Order

دستور مشتري براي خريد يا فروش

سکوي معاملات Platform

در بازار هاي بين المللي امروزي که از اينترنت و وسائل مخابراتي مدرن بهره مي جويد سکوي معامله يک مکان فيزيکي نست که در آن خريداران و فروشندگان براي انجام معامله با يکديگر گرد هم آيند.

بلکه مکاني مجازي در شبکه اينترنت است که کليه اطلاعات و امکانات لازم براي خريد و فروش را در اختيار معامله گران قرار مي دهد.

جلسه Session

از اصطلاحات بورس است و به مدت زمان کار بازار گفته مي شود يعني از زماني که بازار باز مي شود تا زماني که تعطيل مي گردد.

قيمت ستل Settlement Price

آخرين قيمت معامله شده يک محصول تجاري در طول روز گذشته

سوئینگ تریدر Swing trader

به معامله گراني گفته ميشود که معاملات آنها از يک روز تا چند روز باز مي ماند يا به بيان ديگر به معامله گران کوتاه مدت اطلاق ميشود.

همپوشاني Overlap

به معنای همپوشانی یا روی هم افتادگی معنی می دهد.

اصلاحي Correction

به حرکت قيمت در جهت خلاف روند فعلي به منظور استراحت و کسب قدرت براي ادامه حرکت خود. مثلا اگر روند صعودي هست يه کاهش قيمت به منظور نفس گيري و بعد مجدد ادامه روند صعودي

ایمپالس impulse

درمعنای لغتی به معنای انگیزشی و جنبشی می باشد و در اصطلاح ایوتی به موجهای قوی نزولی یا صعودی گفته میشود.

معامله باز Open position

وقتی در کارگزار معامله ای دارید که هنوز نبسته اید به آن معامله باز گفته می شود مثلا سهام یا کالایی را خریده اید و هنوز آنرا نگه داشته اید.

لوریج Leverage

اهرم یا لوریج ابزاری است که کارگزاران در اختیار معامله گران قرار می دهد که معامله گران بتوانند بیش از سرمایه اولیه خود معامله کنند. برای مثال، وقتی که حساب شما دارای لوریج 1:100 (یک به صد) باشد، شما می توانید صد دلار را با پرداخت یک دلار معامله کنید. بنابراین برای معامله یک لاتی (صد هزار واحد) دلار تنها نیاز است که ۱۰۰۰ دلار بپردازید یعنی می توان گفت قدرت پول شما صد برابر می شود. توجه داشته باشید لوریج یک شمشیر دولبه هست که هم می تواند باعث ایجاد سودهای هنگفت و همچنین ضرر های سنگین برای شما بشود. چون عملا به شما این امکان را می دهد که بیش از سرمایه خود معامله کنید.

بالانس Balance

زمانی که شما هیچ معامله بازی نداشته باشید؛ بالانس حساب شما، مقدار پولی است که در حسابتان دارید. مثلا اگر در حساب خود 1000 دلار داشته باشید و هیچ معامله بازی هم نداشته باشید بالانس حساب شما ۱۰۰۰ دلار است.

اکوئیتی Equity

از لحاظ لغتی به معنای معادل می باشد. وقتی از بالانس شما میزان سود یا ضرر معاملات باز شما اضافه یا کسر می شود عددی بدست می آید که خالص دارای شماست.

مثلا بالانس شما 1000 دلار است و مجموع معاملات باز شما 150 دلار در ضرر است در این صورت ایکوئیتی شما برابر است با 850 دلار و اگر معاملات خود را ببندید بالانس شما از 1000 دلار به عدد قطعی 850 دلار کاهش می یابد.

(به بیان ساده موجودی حساب شما بعد از بستن همه معاملات باز.)

مارجین Margin

وقتی معامله جدیدی باز میکنید کارگزار با توجه به حجم و نوع کالای مورد معامله شما بخشی از سرمایه اولیه شما را به عنوان ضمانت (وجه الضمان) نزد خود مسدود و بلوکه میکند.

فیري مارجین Free margin

به میزان وجه آزاد حساب شما گفته می شود که می توانید با آن معامله کنید. وقتی از Equity حساب میزان Margin معاملات کم می شود عددی بدست می آید که به آن فیري مارجین گفته می شود.

$$\text{Free Margin} = \text{Equity} - \text{Margin}$$

مارجین لول Margin level

یکی از اصطلاحات اساسی است که تعاریف دیگری نیز از آن استخراج میشود لذا دانستن آن خیلی اهمیت دارد.

مارجین لول سطحی است که از تقسیم خالص دارایی شما (Equity) بر مارجین (Margin) شما بدست می آید و به درصد بیان می شود که نشان می دهد خالص دارایی های شما چه درصدی از مارجین اشغال شده توسط معاملات باز شماست و دانستن این درصد به شما در مدیریت سرمایه کمک می کند.

$$\text{Margin level} = (\text{equity}/\text{margin}) * 100$$

نکته 1: اگر مارجین لول حساب شما به صد درصد برسد یعنی خالص دارایی های شما با مارجین حساب برابر شده لذا بروکر به شما اجازه نمی دهد که پوزیشن جدیدی باز کنید.

نکته 2: دو اصطلاح Call Margin و Stop level بر اساس level Margin تعریف می شوند.

کال مارجین Margin Call

وقتی level margin شما از درصد مشخصی کمتر شود بروکر شروع به اختطار دادن به شما می کند که باید حساب خود را شارژ کنید تا بروکر اقدام به بستن معاملات باز شما نکند.

در این حالت کادر قرمز رنگی در متاتریدر در زیر معاملات شما ایجاد میشود. این عدد معمولاً 50 درصد است.

نکته: کال مارجین به معنای اخطار بروکر به شما است که از صفر شدن حساب شما جلوگیری کند و لی بصورت عامیانه این لفظ در بین تریدرها به معنای صفر شدن حساب کاربرد پیدا کرده.

سطح استاپ اوت Stop out Level

وقتی level margin شما به سطح بحرانی برسد که در بروکرها معمولاً 10 یا 20 درصد است متاتریدر به طور اتوماتی؛ در این درصد شروع به بستن معاملات شما می کند.

و این کار را با بستن معامله ای که بیشترین ضرر را داشته است، شروع می کند تا حساب شما از منطقه بحرانی دور شود.

ستاپ لول stop level

وقتی معامله ای را انجام می دهید و قصد تعیین حد ضرر و حد سود را دارید این مفهوم استفاده می شود.

و میزان فاصله ای است که می بایست بین قیمت مد نظر معامله گر (جهت قرار دادن حد سود، حد ضرر یا دستورهای پندینگ) و قیمت جاری وجود داشته باشد تا بروکر به معامله گر اجازه ثبت آن را بدهد.

ضمناً دقت نمایید که این عدد یک میزان ثابت نیست و بروکر می تواند بنا به شرایط و دلایل مختلف عدد stops level را در سیمبل های معاملاتی مختلف تغییر دهد.

نکته: فاکتور stops level برای معامله گرانی که اسکالپی هستند و معاملات سریعی دارند و قصد دارند حد ضرر یا حد سود را در فاصله کمی از قیمت ست کنند اهمیت زیاد دارد لذا برای انتخاب بروکر باید به این موضوع توجه کنند.

کانترکت سایز contract size

اندازه حجم قرارداد یک معامله در بازار مبادلات به ازای یک لات استاندارد می باشد که در بروکرهای مختلف تفاوت هایی دارد. مثلاً کانترکت سایز نماد داوجونز اگر در بروکری اگر ده باشد یعنی یک لات معامله داوجونز شامل ده قرارداد است.

یا مثلاً اگر کانترکت سایز طلا در بروکری اگر 100 باشد یعنی یک لات طلا 100 اونس است.

یا اگر کانترکت سایز نفت در بروکری 100 باشد یعنی یک لات نفت 100 بشکه نفت است یا اگر کانترکت سایز بیت کوین در بروکری یک باشد یعنی هر لات آن یک بیت کوین است.

ریکوت Requote

ریکوت به معنای لفظی قیمت گذاری مجدد می باشد و منظور آن است که زمانی که شما سفارش خرید یا فروش می دهید به هر دلیل کارگزاری نتواند در قیمت مورد نظر شما خرید یا فروش را انجام دهد.

و به شما فرصت انتخاب قیمت جدید را بدهد. به معنای عامیانه یعنی مظنه گیری مجدد. هر چه ریکوت های قیمتی یک کارگزاری کمتر باشد کار با آن کارگزاری راحت تر و اعتبار بیشتری برای او محسوب می شود.

اسلیپیج Slippage

اسلیپیج در لغت به معنای لغزش و لیز خوردن می باشد و در اصطلاح معامله گری به معنی اختلاف بین قیمتی است که شما سفارش میگذارید با قیمتی که سفارش شما با آن مچ و اجرا میشود.

Slippage دارای اهمیت بالایی میباشد و می تواند پوزیشن های لحظه ای و حد ضرر ها و حد سودها های شما را دستخوش تغییرات کند و آنها را با قیمت های دیگری اجرا کند. زمانی که بازار بر اساس اخبار یا گپ های قیمتی دچار تلاطم می شود معنی پیدا می کند به اینصورت که قیمت پرش ناگهانی می کند.

و چون در قیمت شما یا حد سود یا حد ضرر شما تقاضا و قیمتی وجود ندارد که با آن مچ شود لذا اسلیپیج باعث لیز خوردن قیمت جاری و اجرا و مچ شدن پوزیشن شما در اولین قیمتی است که در دسترس است و تقاضا برای آن وجود دارد.

نکته 1: اسلیپیج روی حد ضرر شما تاثیر بد و روی حد سودها تاثیر خوبی دارد.

نکته 2: اسلیپیج با ریکوت تفاوت دارد.

بک تست Back test

در لغت به معنای آزمون در گذشته می باشد. و در بازارهای مالی به معنای تست و بررسی یک استراتژی و روش در گذشته چارت می باشد تا بتوان میزان موفقیت و نقاط ضعف و قوت یک استراتژی را مورد بررسی قرار داد.

لیکوئیدیتی Liquidity

به میزان نقد شوندگی و شناوری یک بازار گفته می شود. هر چه یک بازار نقد شونده تر باشد راحت می توانید سهام یا کالا یا ارز خود را نقد و تبدیل به پول کنید چون در چنین بازارهایی عرضه و تقاضا بالاست و به قول معروف کمتر صف خرید و فروش می شوند.

والاتیٹی Volatility

گریز گری یا فراریت در علم شیمی و فیزیک به تمایل یک ماده برای تبدیل شدن به فاز بخار گفته می شود و در اصلاح بازارهای مالی شاخصی است که میزان نوسان هر جفت ارز را در بازه زمانی خاصی اندازه گیری می کند.

به عنوان مثال جفت ارز پوند به ین فراریت بالایی دارد و در طول روز نوسانات زیادی انجام میدهد.

کورلیشن Correlation

به میزان همگام بودن و هم حرکت بودن دو یا چند ارز یا کالا گفته میشود که بصورت درصد بیان میشود از -100% تا +100%